

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

اقتصاد دانش بنیان و مدیریت نوآوری

ویدا وهرامی^۱

چکیده

دستیابی به توسعه و رشد پایدار نیازمند کسب نوآوری و استفاده از دانش در این مسیر است. در سالهای متمادی اقتصاد ایران یک اقتصاد متکی به خام فروشی نفت بوده ولی متأسفانه در اکثر مواقع منابع نفتی نتوانسته اند وارد چرخه تولید شوند و سهم بسیار کمی در ارزش افزوده کل داشته‌اند. یکی از راههای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، توجه به دانش و اهمیت دادن به نوآوری است، لذا مدیریت نوآوری^۲ و مدیریت دانش^۳ در کنار سایر ابعاد مدیریت از جمله مدیریت سازمان و مدیریت مصرف بهینه، دو بعد بسیار پررنگ اقتصاد دانش بنیان را تشکیل می‌دهند. با بررسی سیر تاریخی عوامل موثر بر توسعه یافتگی کشورها متوجه می‌شویم که در سالهای اخیر، عوامل تولید نیروی کار و سرمایه جای خود را به علم و نوآوری داده اند، لذا توجه به دانش و نوآوری نیز دارای اهمیت بسیاری در پیشرفت ایران خواهد بود. بدین منظور هدف از نوشتار این مقاله بیان مفهوم و الزامات اقتصاد دانش بنیان و راهکارهای مدیریت و پیشبرد نوآوری در ایران است، و در نهایت بیان خواهد شد که موسسات آموزش عالی و دانشگاهها نقش اساسی در گسترش نوآوری دارند.

کلمات کلیدی: مدیریت دانش، نوآوری، اقتصاد دانش بنیان

1- مقدمه:

اقتصاد دانش بنیان هسته مرکزی اقتصاد پویایی است و در قرن بیست و یکم، کشورهای پیشرفته به دنبال آن هستند. در قرون گذشته، تولید تابع سه عامل سرمایه، نیروی کار و منابع طبیعی بود ولی با شروع قرن جدید، عامل دانش به عنوان عاملی درونزا و موثر بر رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. در این راستا اقتصاددانان در اکثر مدل‌های رشد درونزا، دانش و سرمایه انسانی را به عنوان موتور و محرکه رشد اقتصادی می‌دانند، لذا مفهومی تحت عنوان اقتصاد دانش بنیان در ادبیات بسیار گسترش یافته است. اقتصاد دانش بنیان با ایجاد شرایط لازم، زمینه خلاقیت و مدیریت نوآوری را فراهم می‌سازد و توانایی تبدیل ایده‌ها به فرآیندهای جدید را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب سرمایه گذاری، تولیدات و در نهایت رفاه کل به خاطر رشد مصرف افزایش می‌یابد. نوآوری به عنوان ابزاری برای تکامل و تامین زندگی مردم، در راستای پویایی اقتصاد کشور موثر است و همانند موتور رشد صنعتی موجب از بین رفتن شکاف توسعه می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد عواملی چون بهبود سرمایه انسانی، افزایش فعالیت‌های تحقیق و توسعه یا R&D و مدیریت دانش، قدرت نوآوری را افزایش می‌دهد و زمینه ساز بهبود رشد اقتصادی خواهد بود. نوآوری و مدیریت دانش روح حیات بخش یک اقتصاد مبتنی بر دانش می‌باشند که به کمک این دو شاخص می‌توان گام‌های بزرگی در مسیر توسعه پایدار برداشت. بنابراین اقتصاد ایران اگر بخواهد در آینده جایگاه خود را در بازارهای جهانی حفظ کند باید

^۱عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شهیدبهشتی، vida.varahrami@gmail.com

2- Innovation Management

3- Knowledge Management

محصولاتی به غیر از نفت خام را وارد چرخه عرضه نماید که لازمه آن وجود فکری پویا و نوآور است و نوآوری پیش زمینه‌ای برای ثبات پویایی اقتصاد خواهد بود. در ادامه این مقاله، به بیان مفهوم و الزامات اقتصاد دانش بنیان، مدیریت نوآوری و راهکارهای پیشبرد آن خواهیم پرداخت.

2- مفهوم و الزامات اقتصاد دانش بنیان

در اقتصاد امروزی، شرایط بسیار متفاوت شده و همه چیز حول کانون دانش در حال چرخش است، به طوری که توسعه در سالهای اخیر بیشتر بر مبنای دانش صورت می‌گیرد. لذا بکارگیری اصطلاحاتی از قبیل اقتصاد دانش بنیان، اقتصاد فراصنعتی^۱، اقتصاد اطلاعات^۲ و اقتصاد نوآور^۳ حاکی از همین موضوع است. اقتصاد دانش بنیان حاصل فراگیر شدن دانش در سطح جهان و ارتباط نزدیک آن با توسعه می‌باشد. این شکل از سرمایه به قدری مهم است که بیان می‌گردد اگر شکاف دانش^۴ بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته مهم تر از شکاف سرمایه فیزیکی نباشد به یقین کمتر نخواهد بود. مقایسه اقتصاد دانش بنیان و اقتصاد سنتی نشان می‌دهد که کاربرد دانش در تولید محصولات، بسیار بیشتر از قبل شده و تمام فعالیت‌های اقتصادی حتی مبادلات ساده هم با دانش خو گرفته اند.

اصطلاح اقتصاد دانش بنیان برای اولین بار توسط OECD^۵ مطرح شد و هدف آن بیان اهمیت بالای دانش از نظر کیفی و به عنوان عامل محرکه جدید اقتصاد بود. طبق تعریف OECD اقتصاد دانش بنیان، اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش شکل گرفته و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه، در آن مورد توجه خاص قرار می‌گیرند. لذا «صنایع دانش بنیان صناعی هستند که در آنها سطح بالایی از سرمایه گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص می‌یابد، فن آوری های کسب شده با شدت بالایی مصرف می‌شوند و نیروی کار نیز از تحصیلات عالی برخوردار است.»^۶ حال، پیش شرط‌های اقتصاد دانش بنیان مبتنی بر موارد زیر می‌باشد:

1- آموزش و سرمایه گذاری در سرمایه انسانی

2- اجرای سیاست های حمایتی دولت که سبب ارتباط بیشتر دانشگاه، صنعت و دولت گردد.

3- سرمایه گذاری در بخش های دانش پایه و گسترش زیر ساخت های انتشار آن

3- مدیریت نوآوری و راهکارهای پیشبرد آن

با اینکه بیش از نیم قرن از عمر پیدایش اصطلاح نوآوری می‌گذرد، اما هنوز تعریف واحدی از آن وجود ندارد و این مساله بخاطر گستردگی و اهمیت آن می‌باشد. با این حال تمامی تعاریف دارای سه بعد مشترک نو بودن، انعطاف پذیری و مفید بودن می‌باشند. نوآوری از دیدگاه اقتصادی فرایندی است که سبب می‌شود محصولات فیزیکی و غیرفیزیکی به صورتی کارا، با کم ترین هزینه و با بیشترین سود و بازدهی وارد چرخه توسعه شوند. مدیریت نوآوری نیز فرایندی است که نوآوری و اطلاعات را در رابطه با زنجیره ارزش و جست و جو برای فناوری‌های جدید ترغیب می‌کند. همچنین فرآیندی است که سبب توسعه پروژه های نوآوری به طور مستمر می‌گردد.

1- Postindustrial Economy

2- Information Economy

3- Innovative Economy

4- Knowledge Gap

1- Organization for Economic Corporation and Development

^۶ معمارنژاد، 1384، ص. 3.

نوآوری و مدیریت صحیح آن محور اصلی اقتصاد دانش محور است که فقدان آن سبب می‌شود اقتصاد دانش محور به مرحله عینی نرسد. از این رو می‌توان سه هدف اصلی نوآوری و مدیریت کارای آن در راستای اهداف اقتصاد دانش، یعنی تولید دانش، عرضه و جذب دانش را نام برد.¹ تولید دانش به کمک تجاری سازی دانش سبب بهبود فضای کسب و کار می‌گردد و شرایط جدیدی را برای کارهای جدید فراهم می‌آورد. عرضه دانش، به صورت انتقال دانش و ایجاد ظرفیت جدید جذب است که به وارد کردن دانش در محیط‌های مختلف می‌انجامد. جذب دانش همان بهره برداری از دانش است که به ایجاد قابلیت‌ها توسط دانش در سازمان اشاره دارد.

با توجه به اینکه نوآوری و مدیریت آن به هیچ عنوان یک پدیده اتفاقی نیست، لذا عوامل مشخص و معینی هستند که بر آن تاثیر مثبت به سزایی دارند و مشتمل بر موارد زیر می‌باشند؛

1- یکی از بنیادی ترین عوامل در پیشبرد نوآوری، وجود یک حکمران خوب بنام دولت است که باید طیف وسیعی از سیاست‌ها از جمله تحقیق و توسعه، قوانین مالکیت فکری، آموزش، انتقال فناوری، امنیت اجتماعی، مالکیت معنوی و نیز بهبود فضای کسب و کار را در برنامه خود داشته باشد. البته در کنار عوامل فوق، دولت باید ابزار لازم را نیز مهیا کند که یکی از این ابزار جلوگیری از شکل گیری انحصارات است. جلوگیری از انحصارات و فراهم سازی زمینه‌های شکل گیری بازار از طریق نوآوری، منجر به پیدایش نوآوری بازار محور² می‌شود که در آن عاملین اقتصادی با یکدیگر در تعامل هستند و اقتصادی تعامل گرا³ را شکل می‌دهند.

2- دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، نقش به سزایی در پیشبرد نوآوری دارند، چون پرورش نیروی انسانی متخصص از الزامات نوآوری است. امروزه در اقتصاد مدرن رشد اقتصادی و رشد بهینه دانشگاه‌ها ارتباط متقابلی با هم دارند و عدم وجود یکی، سبب از بین رفتن دیگری است. در اقتصاد دانش محور، تولید دانش، انتقال و انتشار آن وظیفه اصلی دانشگاه‌ها بوده و به رشد اقتصادی کمک خواهد کرد.

3- عواملی که تحت عنوان عوامل سخت افزاری شناخته می‌شوند، نیز در پیشبرد نوآوری نقش اساسی دارند. این موارد شامل تحقیق و توسعه و عرضه خدمات فنی و علمی می‌باشد که سازمان‌هایی چون دانشگاه‌ها، مراکز دولتی و نیمه دولتی، شرکت‌های صنعتی و فنی در این زمینه می‌توانند یاری‌رسان باشند. عوامل نرم افزاری نیز شامل انتشار اطلاعات و دانش و سیاست گذاری‌های مناسب است که توسط دولت گسترش می‌یابد.

4- جمع بندی:

همانطور که ذکر شد، دانش به عنوان عاملی درونزا بر رشد اقتصادی بسیار موثر است و تولید و جذب دانش، بخش غالب نوآوری را شکل می‌دهد. اهمیت نوآوری به قدری گسترده شده که بحث مدیریت نوآوری در ادبیات اقتصادی- مدیریتی شکل گرفته و اهمیتی بیشتر از خود نوآوری در تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دارد. نوآوری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فنی و سیاسی می‌تواند اثرات قابل توجهی داشته باشد و می‌تواند وسیله‌ای برای تکامل و تامین زندگی مردم، بهبود فضای کسب و کار و پیشرفت کشور شود و اهمیت دادن به آن یک ضرورت برای کشورهای در حال توسعه همانند ایران می‌باشد. از این رو برای استحکام اقتصاد دانش بنیان و گسترش نوآوری، باید برنامه‌ریزی‌های

¹قیدر خلجانی و عباسی (1388)

1- Market Driven Innovation

2- Integrationist Economy

بلندمدت در راستای فعالیت‌های تحقیق و توسعه، تجارت دانش، و ارتباط بین صنعت و دانشگاه صورت گیرد. همانطور که ذکر شد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در این زمینه نقش اساسی و مهمی را برعهده دارند که باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرند.

منابع:

- 1- بهرامی؛ محسن، منتظرین؛ نادر، نیک خو؛ مسعود، مهرجویی، مجتبی و طاعتی، محکامه. (1389). نوآوری و دانشگاه. فصلنامه آموزشی مهندسی ایران، شماره 45، صص 69-89.
- 2- حاجی حسینی؛ حجت اله، عباسی؛ فرهاد، محمدی، مهدی و الیاسی، مهدی. (1390). تحلیل حکمرانی نظام نوآوری ایران بر پایه چرخه سیاست گذاری نوآوری. فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره 13، صص 33-48.
- 3- حسینی، سید شمس الدین و چهار محالی بیغش، اکبر. (1384). اقتصاد دانش و شکاف توسعه در ایران. اقتصاد و تجارت نوین، شماره 1، صص 55-82.
- 4- قیدر خلجانی، جعفر و عباسی، زهرا. (1388). ارائه چارچوبی برای تبیین اهداف و سیاست‌های عمومی نظام نوآوری بازرگانی از منظر وزارتی. فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره‌های 15 و 16، صص 1-24.
- 5- معمار نژاد، عباس. (1384). اقتصاد دانش بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها. اقتصاد و تجارت نوین، شماره 1، صص 83 - 109.
- 6- منطقی؛ منوچهر، حسنی، علی و بوشهری، علیرضا. (1388). شناسایی چالش‌های سیاست گذاری در نظام ملی نوآوری ایران. فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره 3، صص 87-102.
- 7- ورهرامی، ویدا، عبدالهی مسعود، (1393). بررسی توام جایگاه فرآیند و مدیریت نوآوری در اقتصاد مقاومتی و راهکارهای موجود، همایش اقتصاد مقاومتی
- 8- Drucker Peter.F. (1998). "The Discipline of Innovation", Harvard Business Review. P 149-157.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران